

نشست علمی کارشناسی

انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای
(کارگروه شرق آسیا)
و
گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

۷ مرداد ۱۳۹۹

گزارش کامل



نشست علمی-کارشناسی

اصول و اهداف سیاست خارجی چین (با تمرکز بر آسیا و آفریقا)

وبینار با حضور

دکتر محمدجواد قهرمانی
دانش آموخته روابط بین‌الملل
دانشگاه تهران



دکتر محسن شریعتی نیا
استاد یار روابط بین‌الملل
دانشگاه شهید بهشتی



دکتر بهاره سازمند
دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای
دانشگاه تهران



دکتر سید داوود آقایی
استاد گروه مطالعات منطقه‌ای
دانشگاه تهران



گزارش کامل

نشست علمی-کارشناسی «اصول و اهداف سیاست خارجی چین (با تمرکز بر آسیا و آفریقا)» توسط انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای با همکاری گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران سه‌شنبه ۷ مرداد ۱۳۹۹ به صورت ویدئو برگزار شد. در این نشست آقای دکتر سید داوود آقایی استاد گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، خانم دکتر سازمند دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، آقای دکتر محسن شریعتی نیا استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی و آقای دکتر محمدجواد قهرمانی دانش‌آموخته روابط بین‌الملل دانشگاه تهران به طرح دیدگاه‌های خود پرداختند.

خانم دکتر کولایی رییس محترم انجمن علمی مطالعات منطقه‌ای در ابتدای نشست از آقای دکتر آقایی دعوت کردند به طرح دیدگاه‌های خود بپردازند. آقای دکتر آقایی با اشاره به بنیان‌های داخلی و خارجی سیاست خارجی چین گفتند: «هدف پایه‌ای چین در تنظیم سیاست‌های خود این است که در مرحله نخست، نیازمندی‌های مردم چین تامین شود. این کشور در بعد خارجی بر آن است نیاز دیگر کشورها خواه از متحدان خود یا متحدان غرب را نیز تامین کند. چینی‌ها در این چشم‌انداز، به تولید انبوه کالا و به دنبال آن صادرات انبوه کالاها روی آوردند. آمار نشان می‌دهد ما به ازای وارداتی که کشور چین دارد، توان صادرات نیز وجود دارد. لازمه‌ی دستیابی به اهداف چین این است که پکن برای چارچوب-بخشی به رفتار خود اصولی را در نظر بگیرد: اصولی که در فرهنگ راهبردی چینی‌ها نمود دارد؛ هرچند ممکن است با توجه به تحول در میزان قدرت چین در آینده، این اصول نیز دستخوش تغییر شود».

ایشان در ادامه با برشمردن اصول فرهنگ راهبردی چینی گفتند: «اصل اول، توجه به مداخله نکردن در امور داخلی کشورهای دیگر است. در کنار این اصل، احترام به یکپارچگی ارضی دولت‌های دیگر، اصل برابری و سود متقابل و اصل همزیستی مسالمت‌آمیز مورد توجه و تاکید چین است. این موارد بنیان‌های شکل‌گیری رفتار چینی‌ها بوده است، مگر اینکه شرایط و مناسبات بین‌المللی تغییرهایی ببیند یا جایگاه این کشور دستخوش دگرگونی‌هایی شود».

ایشان افزودند: «تاکنون یکی از اولویت‌های چینی‌ها این بوده که با تعامل سازنده و خویش‌داری، روابط خود را با دنیا و آمریکا تنظیم کنند. چینی‌ها به این جمع‌بندی رسیده‌اند که در آمریکا نوعی گرایش به شرق در حال شکل‌گیری است. از این رو چینی‌ها با توجه به کاهش حمایت و تعهد آمریکا از متحدانش، بر آن هستند از این فرصت استفاده کند. آن‌ها با بیشتر کشورهای عرب روابط اقتصادی برقرار کرده‌اند تا جایی که آمریکا هشدارهایی به این کشورها داده است».

آقای دکتر آقایی گفتند: «چینی‌ها تلاش کرده‌اند جای پای خود را در منطقه خاورمیانه باز کنند. بعد از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ چینی‌ها به سمت رشد پایدار اقتصادی داخلی حرکت کردند و همزمان در کنار رشد داخلی و توجه به درون، سرمایه‌گذاری خارجی نیز اهمیت بسیاری داشت. این کشور در زمینه سرمایه‌گذاری‌های خارجی، برنامه‌های گسترده‌ای را به اجرا گذاشت و اکنون شرکت‌های چینی بسیاری در این زمینه فعالیت می‌کنند».

ایشان در مورد طرح راه ابریشم چینی گفتند: «در مورد زنده کردن جاده ابریشم، چینی‌ها تلاش دارند خود را از وابستگی بیشتر به آمریکا دور کنند. تنگه‌های مهمی در جهان که گلوگاه‌های نقل و انتقال کالا و انرژی هستند، اکنون زیر نفوذ آمریکا است. از این رو چینی‌ها بر آن هستند که امنیت انرژی خود را تقویت کنند. برای دستیابی به این هدف، چین

برنامه‌های زیادی را در زمینه تولید و انتقال انرژی تدارک دیده است. از سوی دیگر موازی با کاهش انگیزه‌های آمریکا برای حضور در خاورمیانه، چینی‌ها انگیزه‌های بیشتری دارند و تلاش می‌کنند به‌عنوان یک قدرت نوظهور با کشورهای این منطقه رابطه نزدیکی داشته باشند.

ایشان در رابطه با جایگاه ایران در سیاست خارجی چین گفتند: «همکاری‌های تجاری چین با آمریکا و اروپا چند برابر ایران است. این کشور همکاری‌های خود با غرب را فدای همکاری‌های خود با ایران نمی‌کند. هرچند منافع خود را نیز به صورت موردی پیش می‌برد».

سپس در پایان گفتند: «آمریکایی‌ها از گذشته‌های بسیار دور در خاورمیانه حضور پررنگی داشته‌اند. این کشور با توجه به اهداف راهبردی، متحدان خود و ظرفیت‌های منطقه سالها در خاورمیانه بدون رقیب بود تا چین به عنوان قدرتی نوظهور به نقش آفرینی در این منطقه پرداخت».

آقای دکتر آقایی در ادامه در پاسخ به سوالی پیرامون میانجی‌گری چینی‌ها در مناقشه اعراب و اسرائیل گفتند: «این‌که چینی‌ها اعلام می‌کردند در مناقشه‌های خاورمیانه مداخله نمی‌کنند مربوط به چندسال پیش است. با توجه به ناکامی طرح‌های قدرت‌های غربی و اینکه غرب حتی با متحدان خود نوعی رفتار کرده‌اند که نزدیک‌ترین آنان نیز ناامید شدند، زمینه را برای فعال‌شدن چین مهیا کرد. اکنون چین تلاش می‌کند رویکرد فعال‌تری را در منطقه در پیش بگیرد. چین برخلاف قدرت‌های غربی پیشینه استعماری در خاورمیانه ندارد و می‌تواند در زمینه‌های مختلف به میانجی‌گری بپردازد. احتمالاً چینی‌ها به ایفای نقش در این زمینه نیز بپردازند».

در ادامه نشست خانم دکتر کولایی گفتند: «مساله‌ای که به درستی به آن اشاره شد، صبر راهبردی این کشور است. با این رویکرد، تا زمانی که چین پایه‌های قدرت را مستحکم نکرده است، تلاش می‌کند از رویارویی مستقیم با آمریکا پرهیز کند».

در ادامه نشست، خانم دکتر سازمند با موضوع «مبانی و بنیان‌های سیاستگذاری خارجی چین» دیدگاه‌های خود را مطرح کردند. ایشان گفتند: «نظریه‌های مختلفی در زمینه تحلیل سیاستگذاری خارجی چین وجود دارد. برخی تحلیلگران از نظر ساختارهای قدرت به این مقوله پرداخته‌اند. برخی با رویکردی تاریخی، بر اساس دوره‌های رهبری در چین این مساله را تحلیل کرده‌اند. برخی از تحلیلگران هم به‌جای تحلیل تاریخی، از چشم‌اندازی نظری به این مساله پرداخته‌اند. برخی نیز بر اساس مکتب‌های سیاست خارجی چین و تحلیل افراد مهم در سیاست خارجی چین، را دنبال کرده‌اند».

ایشان افزودند: «تلاش می‌کنم به مولفه‌های مختلف و سطوح مختلف موثر در سیاست‌گذاری خارجی چین در دوره‌های مختلف بپردازم تا به تحلیل سیاست خارجی چین دست یابیم. وقتی از زمان شکل‌گیری جمهوری خلق چین تاکنون را بررسی می‌کنیم به این جمع بندی می‌رسیم که هر چقدر در دوره‌های رهبران چین، جلوتر آمدیم گذار از سیاست‌های ایدئولوژیک محوری به سوی عملگرایی رخ می‌دهد. اگرچه از دهه ۱۹۷۰ بحث اصلاحات مطرح شده بود، اما هرچقدر جلوتر می‌آییم میزان عملگرایی نمود و بروز بیشتری می‌یابد».

ایشان افزودند: اگر مروری بر جایگاه و موقعیت چین در نظام بین‌الملل داشته باشیم می‌بینیم، چین از دو منظر مورد توجه قرار گرفته است: منظر داخلی و منظر بین‌المللی و خارجی. برخی بر این باور هستند که قرن بیست و یک قرن چین خواهند بود. این دیدگاه از کجا نشات گرفته است؟ به نظر می‌رسد این دیدگاه، یک آرزوی چینی بوده که در شرایط فعلی نمودهای آن در حال شکل‌گیری است. از اوایل قرن بیست و یکم اتفاق‌هایی در چین صورت گرفت که زمینه نمود یافتن این آرزوی چینی را فراهم کرد. از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ سه اتفاق در چین افتاد که نمودهای قدرت چین در حوزه‌های مختلف بود. در سال ۲۰۰۸ المپیک بیجینگ

برگزار شد که چین قدرت نرم خود را با استفاده از آن به نمایش گذاشت. در سال ۲۰۰۹ در رژه بزرگ چین، قدرت سخت افزاری چین به نمایش گذاشته شد. سرانجام در سال ۲۰۱۰ با برگزاری نمایشگاه جهانی شانگهای، چین موقعیت بین‌المللی خود را در زمینه فناوری‌های جدید به نمایش گذاشت. این‌ها نمودهای شکل‌گیری آرزوی چینی هستند که در دوران شی جین‌پینگ ظهور بیشتری پیدا کرد».

خانم دکتر سازمند در ادامه با مروری تاریخی به دوران جنگ سرد و بعد از آن گفتند: «در دوران جنگ سرد شاهد انقلاب کمونیستی چین هستیم. در دوره مائو اقدام‌هایی انجام شد که با آموزه‌های مارکسی‌لینی سازگار بود و مبنای سیاست خارجی چین قرار گرفت. نمود این رویکرد، در عرصه بین‌المللی در نپذیرفتن هنجارهای بین‌المللی ظهور یافت. چین در این دوره به سمت تعریف یک هویت مستقل و دشمنی با شوروی پیش رفت. با این وجود در دهه ۱۹۷۰ چین الزامات بین‌المللی و نیازهای خود را درک کرد و برای رفع مشکلات خود، پاسخ مناسبی با توجه به واقعیت‌های نظام موجود بین‌المللی داد. در این دوره با قدرت یافتن دنگ شیائو پینگ نگاه مثبت به نظام بین‌الملل در سیاست خارجی چین شکل گرفت. در دهه ۱۹۸۰ همکاری گسترده چین با آمریکا را شاهد هستیم. چین با نهادهای بین‌المللی مشارکت زیادی داشت. در این دوره، واقع‌گرایی و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تقویت شد. چین دیپلماسی فعالی را در رفع مناقشه‌ها اتخاذ کرد و نقش فعالانه‌ای در مذاکرات کره شمالی داشت.

در دوره نسل پنجم رهبران چین، شی اعلام کرد عملگرایی را سرلوحه کار خویش دارد و تلاش خواهد کرد چین به رهبری نظام بین‌الملل برسد. ملی‌گرایی در دوره شی بُعد نظامی پررنگی نیز دارد. در این دوره، طرح یک کمربند یک راه، اقدام‌ها در دریای چین جنوبی و مواردی از این دست نمودهای رویای چینی هستند. یک وجه دیگر در سیاستگذاری

خارجی چین، نهادهای دخیل در سیاست خارجی هستند. رییس جمهور، نخست وزیر، رییس کنگره ملی افراد بدنه اصلی قدرت در این کشور هستند. در کنار این دفتر، ارتش آزادی بخش چین نقش پررنگی در سیاست گذاریها دارد. به علاوه نقش اتاقهای فکر مختلف را که نقش مشاوره ای پررنگی در این کشور یافته اند، نیز باید موثر دانست. در مجموع ملی گرایی عملگرایانه در شکل دهی به سیاست خارجی چین بسیار پررنگ بوده است.»

ایشان در ادامه افزودند: «نمودهای سیاستگذاریها در چین عبارت هستند از سیاستگذاری خارجی توسعه گرا، سیاستگذاری اقتصادی عمل گرایانه، سیاستگذاری هدفمند علمی، درونی شدن مبانی فرهنگ کنفوسیوسی و استفاده از ظرفیت کانونهای تفکر. مولفه های سیاست خارجی توسعه گرا عبارت اند از اصلاحات و درهای باز، همزیستی آمیز با دنیای سرمایه داری. طرح یک کمر بند یک راه نیز یکی از این نمودها است. حرکت به سمت اقتصاد آزاد با مدل مخصوص چینی منطبق بر ویژگی کشور چین نیز از مولفه های مهم در این زمینه است. در حوزه سیاستگذاری هدفمند علمی نیز برنامه های مختلفی در چین تعریف شده و آخرین برنامه توسعه کشور روی مولفه های عمل گرایانه تاکید زیادی داشته است.

در حوزه علمی و فناوری چین تلاش دارد به قدرت اول هوش مصنوعی جهان بدل شود. در این زمینه صادرات فناوری به جای کالا مورد نظر چینی ها است. در مورد درونی شدن آموزه های کنفوسیوسی مواردی مانند اطاعت، سلسله مراتب، خویشننداری بسیار مورد توجه مردم و رهبران این کشور بوده است. در مورد استفاده از ظرفیت کانونهای تفکر نیز پیشرفت زیادی دیده می شود و در سالهای اخیر تلاش می شود نگاه منتقدانه و مستقل نیز به سیاست های این کشور داشته باشند تا موانع پیش روی قدرت یابی چین را برداشت و به آرزوی چینی دست یابند.»

در ادامه نشست آقای دکتر محسن شریعتی نیا با جداکردن دوره‌ها در سیاست آسیایی چین گفتند: «دوره نخست، دوره نظم تکریم است. در این دوره ما از کشوری صحبت می‌کنیم که برای اولین بار در تاریخ نظم ساخت و اکنون تلاش می‌کند آن نظم را دوباره ایجاد کند. ویژگی‌های این دوره عبارت هستند از: هژمونی، فرمانبرداری نمادین و نه انقیاد و چین نماد فضایل اخلاقی. این نظم تا ظهور جهان مدرن ادامه پیدا کرد و زمانی که امپراتوری چین در ۱۹۱۱ در هم شکست با کودتایی از شهر ووهان به طور کامل از بین رفت. دوره دوم سیاست آسیایی چین، دوره مدیریت زوال است. سومین دوره، چین سرخ و آسیای سرخ است که در این دوره، چین به دولت‌سازی اجباری می‌پردازد. همه نیروهای کمونیستی شرق آسیا پیرامون چین حلقه می‌زنند و این کشور تلاش می‌کند دولت‌های کوچک در منطقه را از بین ببرد. بخش‌هایی از جنگ کره و جنگ ویتنام به رقابت چین و آمریکا بر می‌گردد. ترس امروز این کشورها در شرق آسیا از رقابت چین و آمریکا نیز از این پیشینه سرچشمه می‌گیرد. این دوره با تولد دولت توسعه‌گرا به پایان می‌رسد و از این به بعد برهم زدن نظم و تجدید نظرطلبی اهمیت ندارد».

ایشان در ادامه افزودند: «در زمینه شکل‌گیری سیاست آسیایی، ابتدا قدرت یابی ژئواکونومیک و بنیان مشروعیت اقتصادی روی اقتصاد شکل می‌گیرد. نکته مهم در سیاست آسیایی چین این است که سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی چین است. با تغییر قرارداد اجتماعی در چین، این کشور آسیا را بازتعریف کرد و تنیده‌شدن در زنجیره آسیایی و ارتقای موقعیت را در چند مرحله پی‌گرفت: نخست، به‌عنوان بازار کار مهم سپس کارخانه آسیا و اکنون کانون فنون و تکنولوژی‌های آسیا. چین قدرت خود را در این زنجیره ارزش ارتقا داده است و این موضوع پیچیدگی وضعیت فعلی آسیا را موجب شده است».

ایشان در ادامه گفتند: «مورد بعدی زنده کردن انسجام سرزمینی و تعیین تکلیف مرزهای امپراتوری است. چین قدرت بزرگی است که مرزهای آن به طور کامل تعیین تکلیف نشده است. اکنون به نظر می‌رسد چین این مولفه را دوباره در اولویت قرار داده است». ایشان با جداکردن دو آسیای ژئواکونومیک و آسیای ژئوپلیتیک گفتند: چین در آسیای ژئواکونومیک روند همگرایی و زنجیره ارزش چین محور را در قالب راه ابریشم پیگیری می‌کند. این جاده ابریشم یک راه ترانزیتی نیست و یک زنجیره ارزش است. دومین آسیا، آسیای ژئوپلیتیک است که قدرت یابی چین مهمترین مساله آن است. تکمیل انسجام سرزمینی، تعیین مرزهای امپراتوری، تمرکز یابی بر قدرت دریایی و تمرکز روی برابری قدرت با آمریکا در آسیای ژئوپلیتیک مساله محوری است».

ایشان در پایان گفتند: «تاریخ آسیا با چین نوشته شده و نوشته خواهد شد. چین دوهزار سال تاریخ سیاست آسیایی دارد و همچنان بازیگر بزرگی خواهد بود. چین زمان را به سود خود و قدرت آمریکا را رو به کاهش می‌داند. قدرت یابی ژئواکونومیک در کانون رفتار راهبردی چین خواهد ماند. سوال بعدی این است که رویکرد ترامپ یک روند خواهد بود یا یک پدیده مقطعی. نکته آخر نیز این است که زنجیره ارزش آسیایی چین محور می‌شود. گسستن از چین برای بسیاری از آسیایی‌ها از کره جنوبی تا مالزی و دیگران ممکن نیست. به نظر می‌رسد آسیای ژئواکونومیک چین محور شده، ولی آسیای ژئوپلیتیک علیه چین است. برای ما ایرانیان چیزی که اهمیت دارد این است که آیا سرزمین ما نیز می‌تواند بخشی از جنگ نیابتی بین چین و آمریکا باشد یا خیر».

در ادامه نشست آقای دکتر قهرمانی گفتند: «لازم است بنیان‌ها و اهداف کلان سیاست خارجی چین روشن شود. وضعیت کنونی نظام بین‌الملل را در گام اول توضیح می‌دهم و سپس مبانی سیاست خارجی چین را تبیین می‌کنم. سرانجام سیاست خاورمیانه‌ای این کشور را مطرح خواهم کرد».

در مورد وضعیت نظام بین‌الملل، اگرچه برخی تحلیلگران به شکنندگی مبانی قدرت چین اشاره می‌کنند اما در حوزه‌های اقتصادی، نظامی و قدرت نرم، شاخص‌های مختلف نشانگر قدرت روز افزون چین است. چین با افزایش قدرت خود توانسته بر نظم پیرامونی خود تاثیرگذار باشد. برخی انتظار ورود چین به رویارویی با آمریکا داشتند و دارند اما موضوع مهم این است که چرا باید زمانی که قدرتی به این جایگاه رسیده صبر بیشتری نکند تا به قدرت بیشتری دست یابد. روابط چین و آمریکا وارد وضعیت نوینی شده است و آمریکایی‌ها به دنبال وارد کردن چین به رقابت هستند. شاید آمریکا چین را با شوروی مقایسه می‌کند که موفق شدند آن را وارد چرخه رقابت فزاینده کنند. در چنین شرایطی سیاست خارجی چین چند اصل دارد. این کشور مدل‌های نوین رشد اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری در خارج یا رشد مبتنی بر مصرف داخل را مطرح کرده است که در قالب طرح کمربند و جاده پیش می‌برد.

اصل دوم که هادی سیاست خارجی چین است تلاش برای مدیریت روابط با آمریکا است. اصل بعدی تلاش برای تقویت پیوند با متحدان آمریکا است که برای شکل‌گیری موازنه و سیاست مهار پیگیری می‌شود. اصل بعد افزایش حضور در مناطق مختلف دنیا است. برای نمونه حضور در مناطق قطبی نشان‌دهنده جایگاه قدرت‌ها است و چین با حضور در مناطق مختلف تلاش دارد به تامین کالاهای عمومی بپردازد. چین به این واقعیت نظر دارد که آمریکا به دنبال کاهش تعهدهای خود در مناطق مختلف است. توجه به قابلیت‌های رهبری نظام بین‌المللی در آینده اصل بعدی این کشور است. چینی‌ها در ساخت‌های نهادی مانند بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیایی و مانند آن تلاش می‌کنند تا هم هنجارها و ارزشهای جدید خلق کنند و هم آنها را مطلوب جلوه دهند».

آقای دکتر قهرمانی گفتند: «روابط چین با خاورمیانه مبتنی بر تجارت، انرژی و تسلیحات است. در حوزه تجارت چینی‌ها از زمان‌های قدیم

روابط تجاری با جهان داشته‌اند. در حوزه تسلیحات، از اواخر دهه ۱۹۷۰ چین تصمیم گرفت صادرات را به اهداف تجاری شروع کند و در دوره جنگ ایران و عراق نیز این کشور نقش فعالی داشت. در حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری، در دوره شی جین پینگ تحول زیادی در تجارت خاورمیانه با چین صورت گرفت. چین در ۲۰۱۷ بزرگ‌ترین شریک تجاری امارات بود.

در کنار همه این موارد، مهم‌ترین مساله، بحث ابتکار یک کمر بند یک راه است. بخشی از دلایل شکل‌گیری و طرح این ابتکار به لزوم دنبال کردن مدل‌های اقتصادی نوین بر می‌گردد. بخشی نیز به این مساله بر می‌گردد که این کشور در مناطق پیرامونی با آمریکا وارد تنش و برخورد نشود و از غرب روابط خود را گسترش دهد. خاورمیانه به عنوان پل شرق و غرب در پیشبرد این ابتکار نقش دارد و وجود منابع انرژی و طرح‌های توسعه کشورهای خاورمیانه، اهمیت این طرح را نشان می‌دهد. با وجود چالش‌های موجود، چند عامل پیشبرد برنامه‌های چین را آسان کرده است. نخست آنکه اراده چینی‌ها در این زمینه جدی است. چینی‌ها «سند سیاست عربی چین» را منتشر کرده‌اند که گسترش روابط با کشورهای عربی را مورد تاکید قرار می‌دهد و حوزه انرژی، زیرساخت و انرژی‌های هسته‌ای و فضا را مورد توجه قرار می‌دهد. موضوع بعد، مساله تقویت روابط نظامی است که قبلاً در زمینه تجارت تسلیحات بود اما اسناد اخیر چین، ماموریت حضور در مناطق دوردست برای حفاظت از منافع این کشور را نیز تبیین کرده است. در این زمینه افزایش مشارکت در ماموریت‌های حفاظت از صلح مورد توجه است. موضوع سوم انجام مانورهای مشترک است که چین از این طریق خود را به عنوان شریک قابل اعتماد معرفی می‌کند.

آقای دکتر قهرمانی در پایان گفتند: «موضوع دیگر در رابطه با سیاست خارجی چین، فعال‌شدن در حل منازعات منطقه‌ای است. برای نمونه، این

کشور در زمینه مناقشه اعراب و اسرائیل که بر راه حل دودولت تاکید دارد. چین در سودان جنوبی نیز ابتکارهای خود را برای آتش بس پیگیری کرد. در مجموع کشورهای منطقه خاورمیانه برای اینکه بتوانند کاهش تعهدهای آمریکا را مدیریت کنند، تقویت روابط با چین را مورد توجه قرار داده اند. همچنین این کشورها می‌توانند روابط خود با ایران را با تقویت روابط با چین به توازن برسانند. توجه به چند نکته ضروری است:

نخست اینکه چین برای پیشبرد سیاست خارجی خود، بر ثبات خاورمیانه تاکید دارد. دوم چین به دنبال تعریف خاورمیانه به عنوان عرصه نزاع با آمریکا نیست و به این منطقه همچون سکویی برای تعدیل تنش‌ها با غرب می‌نگرد. همچنین چین همزمان سیاست توازن با کشورهای منطقه را دارد و در نتیجه تصمیم‌گیران سیاست خارجی باید مراقب باشند که در سیاست خارجی چین تبدیل به کارت بازی نشوند».

در پایان خانم دکتر کولایی از سخنرانان و حاضران تشکر و قدردانی کردند.

پایان

انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۱۹۸۰۴

نمبر: ۰۲۱۶۶۹۵۳۹۹۶۰-۰۲۱۶۶۴۱۹۷۰۴

پست الکترونیک:

info@irsa.org.ir

تارنما:

irsa.org.ir

Iranian Regional Studies Association

Address: Faculty of Law and
Political Science, University of
Tehran, Enghelab Ave, Tehran,
Iran.

Website: irsa.org.ir

Email: info@irsa.org.ir

Tel No: +982166419704